اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۰۵)

رشد معنوی (۹)

بَقِيَّةُ ٱللَّهِ (بخش ۱)

بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ

قرآن، کتابی منسجم و محکم و مفصل است. هر پیامی را بیان کند، از جوانب مختلف آن را تبیین میکند تا هیچگونه شبهه ای نماند. بیایید معنای کلمه ای مهم را در قرآن بررسی کنیم که در زمان ما تبیین آن اهمیت پیدا کرده است. در قسمت ۴۲ جادوی شیاطین بیان شد که وقوع زلزله ها روی زمین، نتیجه غیر قابل اجتناب کردار خود مردم است. زلزله هایی که در مریخ و ماه اتفاق می افتند، بمدت یک ساعت و حتی بیشتر ادامه پیدا میکنند. حال آنکه زلزله های زمین، کمتر از یک دقیقه ادامه پیدا میکنند. این نتیجه جالبی را به ما میدهد:

ما تابحال فکر می کردیم که خدا زلزله می فرستد تا مردم را نابود کند. اما حالا متوجه می شویم که خدا زلزله ها را کنترل میکند تا زمین نابود نشود. خدا نمی گذارد زلزله زمین بیش از یکی دو دقیقه طول بکشد. این یک دقیقه هم به این خاطر است که مردم نتیجه اعمال خود را ببینند و بدانند که با خود و زمین چکار کرده اند.

وقتی مقیاسها و اندازه ها و میزانها به هم بریزد، نتیجه ای جز ایجاد زلزله نخواهد بود. وقتی مردم اندازه ها و اوزان را تغییر دهند و آن را از حالت طبیعی خارج سازند، زمین هم از حالت طبیعی خارج میشود و میزانش را از دست میدهد.

توجه شود که زلزله ها، فقط زمین لرزه نیستند، بلکه زلزله های اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم هستند که زلزله در مورد اینها هم پیش میاید.

آیاتی که در مورد قوم شعیب آمده است، نشان میدهند که قوم شعیب پیمانه ها را نگه نمی داشتند. به همین خاطر شعیب به آنها می گوید که أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ **یعنی پیمانه و کَیل را نگهدارید و از خسارت دهندگان و خسارت زنندگان نباشید. براساس پیام سوره العصر، اگر کسی جزو خسارت زنندگان باشد، قادر به اخذ چرخه نیک پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر نخواهد بود.**

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾

پیمانه را تمام دهید و از کمفروشان مباشید (١٨١)

در ادامه می فرماید که با ترازوی درست بسنجید. سنجش با ترازو دو نکته را در بر دارد. ۱- ترازو باید درست باشد ۲- ترازو باید مستقیم باشد

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۱۸۲﴾

و با ترازوی درست بسنجید (۱۸۲)

اینکه بانک وام میدهد و میگوید وام مثلا ده درصد ولی در حین بازپس گیری، طور دیگری آن را محاسبه میکند. این یعنی بطور صاف و ساده و مستقیم نمی گوید و یک عدد میگویند که فقط خودشان تفسیر این عدد را می دانند. این یعنی کَیل و اندازه غیر مستقیم. همین پیمانه و کَیل غیرمستقیم، بتدریج تورم زیادی در جامعه تولید میکند. هر جا تورم بود، قطعا میزانها و اندازه ها در آنجا به هم خورده است.

اما پیمانه نگه داشتن در مورد هر چیز دیگری هم میتواند مطرح باشد. پیمانه نگهداشتن میتواند در مورد تغذیه، درمان، آموزش و همه حیطه های دیگر هم باشد. در قسمت داستان طالوت گفته شد که مردم باید در تغذیه و درمان پیمانه نگهدارند که اگر نگه ندارند، به خود و همدیگر خسارت وارد میکنند.

در ادامه می فرماید که وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ **یعنی از ارزش اموال و اشیاء مردم نکاهید. مخاطب این آیه مردم و کاربدستان هستند. که به آنها هشدار میدهد که با اخذ سیاستهای غلط، از ارزش اموال آنان کم نکنید که نتیجه بلافصل آن ایجاد فساد در جامعه است** (وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ).

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾
و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید (۱۸۳)

نمونه کم کردن ارزش اموال مردم؛ بعضی کارهای بانکی است. بانکها از مردم پول می گیرند و به آنها مقداری سود می پردازند. اما خودشان با همین پولها، مُلک و طلا می خرند. هیچ بانکی در بانک دیگری سرمایه گذاری نمی کند؛ زیرا خودش میداند که چه خبر است. بعد از مدتی، سپرده گذار، پولش بی ارزش میشود ولی بانک به چندین برابر آن دست یافته است و قدرتش بیشتر و بیشتر میشود و روز به روز فربه تر میشود. بانکها نمونه واضح پرخوری اقتصادی هستند. پرخوری اقتصادی، یک سیستم اقتصادی مریض ایجاد میکند.

این چند آیه که در مورد قوم شعیب بیان شده است، مهمترین نکات و نقاط سقوط اقتصادی را برای ما بیان میدارند. زلزله همیشه تکانش زمین نیست. بلکه گاهی زلزله های اقتصادی و سیاسی هم مطرح است که البته اینها هم در نهایت به همدیگر تبدیل میشوند.

یک جایی خواندم که بعضی ها چربی طبیعی شیر را می‌گیرند و آن را با یک نوع چربی بی‌ارزش‌تر جایگزین می‌کنند و به این طریق شیر را تغییر ماهیت میدهند. اینها همگی ناقص کردن میزان و مکیال است.

یا برای اینکه بیشتر بفروشد؛ دروغ می‌گوید، قسم می‌خورد و می‌گوید خودم در خانه از این استفاده می‌کنم یا با سبد و بی سبد می فروشد و بالای سبد محصولات خوبی می ریزد ولی بقیه از یک نوع دیگرند. یا اینکه ابتدا قیمت را بالا می‌برد و بعد

با تخفیفهای فریبنده آن را دوباره به قیمت اصلی برمی‌گرداند و منت هم می‌گذارد. از این نمونه کلکها زیادند و نیازی به ذکر همه نیست.

مردم بعضی داروها را می‌خورند که لاغر شوند. آنها بجای اینکه زیاده خوری نکنند، میخواهند قرصش را بخورند. واقعا خنده‌دار است که برای لاغر شدن باید دوباره خورد. چیزی که با خوردن لاغرتان کند، یعنی سم است. در جامعه ما کِرِم‌های ضد چروک و ضد عرق یا کالاهای مشابه تبلیغ می‌شود که همگی مضرند. این نوع تبلیغات، آرایش را برای مردان تبلیغ میکنند و به این طریق معیارهای زن و مرد را جابجا میکنند و کَیل و اندازه را در این موارد به هم می ریزند. اینها هم بر هم زدن اندازه و کَیل است. وقتی جای زن و مرد را عوض کنند، یعنی کَیل و اندازه و معیارهای زن ومرد را میخواهند دستکاری کنند.

قیمت‌ها را به واسطه حربه هایی ثابت نگه می‌دارند؛ مثلا ظرف و شکل آن را تغییر می‌دهند، ولی قیمت همان است. کیفیت مواد را تغییر می‌دهند ولی قیمت همان است. به این می‌گویند ثابت نگه داشتن قیمت‌ها به هر روش و هر قیمتی. وقتی کیفیت پایین آورده شود، یعنی کیل و اندازه پایین آورده شده است. کیل و میزان مربوط به کیفیت هم هست.

بعضی کلینیکها می‌خواهند زیبایی مراجعین را تضمین کنند که عملا غیر ممکن است و در این راه پول‌های زیادی به هدر می‌رود. از این نمونه ها زیاد است و میتوان هزاران مثال زد.

خرج کردن پول در موارد بیهوده و اضافی به انرژی اضافی تبدیل می‌شود. انرژی اضافی به خشم، عصبانیت و صفات شیطانی دیگر تبدیل می‌شود. این وعده خداست

که مبذرین برادران شیاطین هستند. مبذرین کسانی هستند که انرژی اضافی دارند و آن را برای تولید صفات کاذب در خود، مصرف میکنند.

زمانی که کیل و اندازه ها و میزان به هم بخورد، خیلی از اندازه های دیگر هم به هم میخورد و روی آنها هم تاثیرگزار است. نتیجه نهایی به هم زدن میزان، این است که مدرسه‌ها طبقاتی شده‌اند. بیمارستانها هم طبقاتی شده اند و قسمت وی آی پی دارند و صراحتا به بیماران، این قسمتهای گرانتر را پیشنهاد میدهند. بانک‌ها تورم زا شده اند و اینها همگی مشتری های مخصوص خود را دارند.

زلزله‌ها نتایج ایدئولوژی‌های مختلف هستند. زلزله ها نتایج سبک‌های مختلف زندگی هستند.

آنچه که خدا برای ما باقی بگذارد، همان بهتر است. این همان جمله مشهور شعیب است که به قومش اعلام کرد. شعیب گفت که آنچه که خدا برای شما باقی می گذارد، همان بهتر است.

آیه 11:86

بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ

اگر ایمان داشته باشید، باقی گذاشته خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگهبان نیستم.

عبارت بَقِيَّةُ ٱللَّهِ در این آیه، معنای مهمی در آن نهفته است. این عبارت مهم به آن معناست که هر آنچه که خدا برای آدمی باقی بگذارد، همان بهتر است و خیر و منفعت در همان است. برای فهم معنای این عبارت، چندین مثال بررسی میشود:

افراد با گران فروشی درآمد خودشان را میزان می‌کنند و سعی می‌کنند آن را در سطح ثابتی نگه دارند. مثلا یک قصاب روزی چندین لاشه گوشت می‌فروخت، اما بعدا فروش او به نصف تقلیل می یابد. او برای جبران درآمد خودش، قیمت گوشت را اضافه میکند. این یعنی افراد به آن چیزی که نصیبشان می‌شود راضی نیستند؛ در نتیجه بی‌رویه گران می‌کنند و قیمت‌ها را به صورت شناور بالا می‌برند. تعیین قیمت با این روش ، قیمتها را متلاطم میکند. عرضه و تقاضا براحتی دستکاری میشود و کسی که پول داشته باشد، براحتی میتواند آن را دستکاری کند و همه چیز را بازیچه دست خود کند و به این ترتیب در آن جامعه، پول پول میاورد و ثروتمند روزبروز ثروتمندتر میشود. این روش درستی برای تعیین قیمتها نیست. با پول و قدرت نظامی، براحتی میتوان عرضه و تقاضا را دستکاری کرد و در نتیجه قیمتها را بالا و پایین کرد. همانطور که خیلی از قدرتهای اقتصادی از همین روش به عنوان اهرم فشار استفاده میکنند. این همان چیزی است که شعیب قوم خود را به آن هشدار داد.

بَقِيَّةُ ٱللَّهِ اسم یک فرد نیست و بلکه یک معنویت است. معنویتی است براساس:

خیر و برکت در همانی است که خدا باقی میگذارد.

خیر و برکت در همانی است که خدا تعیین میکند.

خیر و برکت در بکارگیری روشهای رحمانی است.

خیر و برکت در همانی است که نصیب و قسمت شما میشود.

افراد باید هزینه ها و برنامه ریزی های زندگی خویش را براساس آنچه که نصیب و قسمتشان میشود، قرار دهند و نه اینکه در اشیاء و قیمتها دستکاری کنند تا که هزینه های زندگی آنها در یک سطح ثابت باقی بماند. انسان مجاز است که تلاش خود را بکند ولی تلاش او نباید منجر به ضرر رساندن به دیگران شود. آدمیان برای تغییر نکردن درآمدشان و ثابت ماندن آن، حاضرند که کل جامعه ضرر کند و این یک نوع خودخواهی و در کلیت خودزنی هم هست.

بقیه از ریشه بقا است، یعنی ثابت ماندن چیزی به حالت اولیه خود و دستکاری نکردن آن. مخالف بقا هم فنا است. بَقِیَّةُ ٱللَّه آن چیزی است که خدا می‌خواهد اینجوری باشد و همانجوری بماند و دستکاری نشود. حاصل بَقِیَّةُ ٱللَّه اگر چه کم است، اما بهتر از زیاد آن است. این رابطه را فقط مومنان درک میکنند. بیشتر مردم دنیا مخالف این رابطه عمل میکنند. از نظر اکثریت مردم، درآمد بیشتر، بهتر از درآمد کمتر است. اما پیام مهم بَقِیَّةُ ٱللَّه می گوید که همیشه اینطوری نیست. زیرا طریقه بدست آوردن آن هم مهم است.

مثلا ارزش غذایی پنج نان بی سبوس کمتر از یک نان سبوس‌دار است. آنچه که خدا توصیه فرموده است، نان سبوسدار است ولی بشر آن را دستکاری میکند. وقتی نان دستکاری شود، بیماریهای فراوانی سراغ آدمی میاید و در کل به ضررش تمام میشود.

آدم بهتر است که زندگیش را براساس درآمدش تنظیم کند و نه اینکه درآمدش را براساس زندگیش تنظیم کند. زیرا در آن صورت مجبور میشود که گران فروشی و کم فروشی و یا روشهای دیگر بکار گیرد تا که میزان درآمدش را در حد ثابتی نگه دارد. نباید به هر روشی میزان در آمد را ثابت نگه داشت. اگر افراد یک جامعه همگی بخواهند به هر روشی درآمدشان را ثابت نگه دارند، آن جامعه به بن بست اقتصادی خواهد رسید و همگی متضرر میشوند و این آتشی است که به جان همه می افتد و زندگی همه را تحت تاثیر قرار خواهد داد و تورم افسار گسیخته میشود. دو روش برای کسب درآمد وجود دارد:

۱- اینکه فرد سبک زندگیش را براساس درآمدش تنظیم کند، یعنی فرد باید هزینه های زندگی خود را به میزان درآمد حلالی که دارد، محدود کند.
۲- اما اینکه فرد درآمدش را براساس سبک زندگی تعیین شده تنظیم کند، یعنی فرد ابتدا سطح زندگی خود را تعیین می‌کند. مثلا خانه‌ی لوکس، ماشین گران‌قیمت و ... بعد به هر طریقی سعی می‌کند درآمدش را به آن سطح برساند، که اکثرا به بدهی، فشار مالی و فشار عصبی و ظلم به دیگران منجر می‌شود.

بسیاری از افراد به دلیل مقایسه خود با دیگران، روش دوم را انتخاب میکنند که باعث ایجاد استرس و اضطراب در خود و مشکلات عدیده مالی میشود. در جامعه طوری شده است که افراد خانواده در این مورد با هم هماهنگ نیستند و روش دومی را به سرپرست خانواده اجبار میکنند که عملا شریک جرمند و در آن آتش به پاشده سهیم هستند.

وقتی کسی تلاش می‌کند درآمدش را با سبک زندگیش هماهنگ کند، از روشهای درست و طبیعی خارج می‌شود. فشار برای تامین هزینه‌های سنگین یک زندگی لوکس، فرد را به سمت ربا و روشهای غلط دیگر می برد. ظلم کردن به دیگران از همین علت ناشی میشود. کارفرما حقوق کارگران و کارمندانش را به موقع و به اندازه کافی پرداخت نمی کند، زیرا سبک زندگی شخصی او در اولویت است. این یک روش سمی و خطرناک است که امنیت یک جامعه را به خطر می اندازد. بنابراین تنظیم زندگی متناسب با درآمد، راهکاری برای حفظ بنیاد خانواده و اجتماع است. به همین خاطر شعیب به قومش میگوید که بَقِيَّةُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ ؛ یعنی آنچه که خدا برای شما باقی می گذارد، روی همان سرمایه گذاری و برنامه ریزی کنید. عمل به این آیه، بهترین جبهه گیری و معنویت جهت مقابله با مصرف گرائی، اسراف و خون خواری است. کسی که زندگیش را بر اساس توقعات و چشم و هم‌چشمی تنظیم می‌کند، دقیقا برخلاف این آیه عمل میکند. آدمی بجای تبعیت از رویاهای لوکس و دست نیافتنی، به همان چیزی که نصیبش میشود، قناعت کند که نیاز واقعی و برکت و رویا و لذت واقعی او در همان است.

بَقِيَّةُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ ، یعنی هر آنچه که به دست می‌آید را در راه خدا نگهداری کنیم و به فرمایش خدا اعتماد کنیم که خیر و برکت در همان است. یعنی همان معنویت بهتری دارد و خیلی بهتر است. بَقِيَّةُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ یعنی بهتر است، بیشتر است، زیادتر است، پایدارتر است، برکت بیشتری دارد. شاید در ظاهر اینطوری نباشد. بَقِيَّةُ ٱللَّهِ یک معنویت است که دقیقا بر اساس معنویت عالم بالاتر بنیاد نهاده شده است و از سطح علمی انسان فراتر است. بعضی روابط را باید از دید عالم بالاتر بنگریم و روابط جاهلانه انسانها را کنار بگذاریم. باید به حرف خدا اطمینان کنیم.

هر گونه کَیل و اندازه و میزانی که فاقد معنویت باشد، مورد تایید خدا نیست. زیاد بودن، همیشه نشانه خوبی نیست. یک فن با کیفیت از هزار فن بی کیفیت بهتر است. اکثر افرادی که در مسابقات ورزشی برنده میشوند، همه فنها را بلد نیستند، بلکه یک فن را خیلی خوب بلدند. یک فن خوب برای صرفه جوئی و کنترل زیاده روی و کنترل اسراف در زندگی، بهتر از درآمد چندین برابر است.

خدای رحمان طرز هزینه کرد را مهمتر از درآمد میداند. اگر هزینه ها غیرمنطقی باشند، هیچ درآمدی جوابگو نیست. هزینه های غیرمنطقی افراد را وادار میکنند که مثل قوم شعیب از هر روشی برای کسب درآمد استفاده کنند. گاهی این سوال پیش میاید که چرا بعضی ثروتمندان احساس خوشبختی نمی کنند و استرس دارند، زیرا آنها سبک زندگی لوکسی را بر گزیده اند و مجبورند که درآمدشان را با این نوع سبک زندگی تطبیق دهند و از آنجا که رویاهای انسان انتها ندارد، درآمدشان جوابگوی آنان نیست.

مردم باید بدانند که چیزهایی را که مصرف میکنند، از کجا آمده است. گاهی یک شهر بزرگ آنقدر آب مصرف میکند که از مناطق دیگر برایش آب می برند. اما اهالی آن شهر متوجه نیستند که آب جای دیگری را دارند مصرف میکنند و باید در مصرف آن صرفه جوئی کنند و در مصرف آن تقوا پیشه کنند. که اگر اسراف کنند، یعنی میزان و ترازوی خود و دیگران را به هم ریخته اند.

شعیب به قومش توصیه می‌کند که اشیاء را ناقص نکنند و اندازه نگهدارند. مکیال مربوط به شکل و حجم است و میزان مربوط به وزن است. آیات مربوط به قوم شعیب را با دقت بخوانیم که چقدر زیبا مشکلات فعلی جامعه ما را بیان میکنند.

آیه 11:84

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًاۚ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥۖ وَلَا تَنقُصُواْ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَۚ إِنِّىٓ أَرَىٰكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

و به سوی (قوم) مدین برادرشان شعیب را (فرستادیم). گفت: «ای قوم من! الله را بپرستید، که معبودی جز او برای شما نیست، و پیمانه و میزان را کم نکنید، من شما را در نعمت می‌بینم، و من بر شما از عذاب روز فراگیر می‌ترسم.

آیه11:85

وَيَٰقَوْمِ أَوْفُواْ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِۖ وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْاْ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و ای قوم من! پیمانه و میزان را با عدالت، تمام (و کامل) دهید، و اشیاء مردم را کم ندهید، و در زمین به فساد (و تباهی) نکوشید.

آیه11:86

بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ

اگر ایمان داشته باشید، باقی گذاشته الله (از مال حلال) برای شما بهتر است، و من بر شما نگهبان نیستم».

آیه11:87

قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ

گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که آنچه را که نیاکان‌مان می‌پرستیدند، رها کنیم، یا آنچه را می‌خواهیم در اموال‌مان انجام دهیم؟! بی‌گمان تو (مردی) بردبار عاقلی هستی!».

آیه11:88

قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ

(شعیب) گفت: «ای قوم من! به من خبر دهید؛ اگر من دلیل (و حجت) آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و از سوی خود رزق نیکوی به من عطا کرده باشد، (آیا نباید از او اطاعت کنم؟!)و من نمی‌خواهم با شما مخالفت کنم، دربارۀ چیزی که شما را از آن نهی می‌کنم، (و خود مرتکب شوم) من جز اصلاح؛ - تا آنجا که توانای دارم- نمی‌خواهم، و توفیق من جز به (فضل) الله نیست، بر او توکل کردم، و به سوی او باز می‌گردم.

آیه11:89

وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ

وای قوم من! دشمنی (و مخالفت) با من سبب نشود که به شما (نیز، عذابی) برسد، همانند آنچه که به قوم نوح یا قوم هود، یا قوم صالح رسید، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.

آیه11:90

وَٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

و از پروردگارتان آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید (و توبه کنید) همانا پروردگارم مهربان دوستدار است».

آیه11:91

قَالُواْ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًاۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را که می‌گویی، نمی‌فهمیم، و به درستی که ما تو را در میان خود ناتوان می‌بینیم، و اگر (احترام) قبیله‌ات نبود؛ مسلماً تو را سنگسار می‌کردیم، و تو نزد ما گرانقدر نیستی»

عبارت بَقِيَّةُ ٱللَّهِ این پیام مهم را به ما می رساند که اگر در جامعه‌ای فساد گسترش یابد، عذاب نازل می‌شود، و دلیل اصلی آن این است که افراد صالح جامعه سکوت کرده‌اند و در این مورد هشدار کافی نداده اند. نیکوکاران فعال در یک جامعه لازمند. کسانی که خطرات زیستی و تغذیه و معاملات را گوشزد میکنند و این همان پیام آیه است که اگر رعایت شود، خودبخود خیر و برکت در آن جامعه گسترش می یابد و بیماری و قحطی از آن جامعه دور میشود.

چیزی که سود کم ولی پایدار داشته باشد، خیلی بهتر است تا اینکه ناپایدار باشد و سود زیادی داشته باشد. زنده بودن یک جامعه بر این اساس بنا شده است. روشهای اقتصادی مضر، گرچه در ظاهر شاید درآمد زیادی برای یک قشر خاص داشته باشند، ولی در کلیت یک نوع خودزنی هستند و سرانجام خوبی نخواهد داشت.

خدای رحمان کار خودش را درست و بموقع انجام می‌دهد. انسان در بهترین موقعیت تاریخی خودش خلق شده است (لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِىٓ أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)**. در طول تاریخ دایناسورها نماندند ولی مورچه‌ها ماندند؛ زیرا انسان با وجود دایناسورها نمیتوانست روی زمین زندگی کند؛ اما مورچه ها برای بقای زمین لازمند.**

شعیب به قومش میگوید که ای مردم اگر اندازه نگه ندارید، سرنوشت قوم نوح و هود و صالح (وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ) **و همچنین سرنوشت قوم لوط در انتظار شماست و ممکن است بلاهایی مثل اینها سرتان بیاید.**

یعنی اندازه نگه نداشتن پیمانه ها و به هم زدن میزان، ممکن است مردم را دچار گناهان دیگر هم بکند و مثلا آنان را مثل قوم لوط کند و آنان را به سمت همجنسگرائی و همجنسبازی بکشاند. یا اینکه مثل قوم صالح شوند و حتی نشانه ها و آیات خدا را هم ذبح کنند. به این طریق هر گناهی که انسان مرتکب شود و همچنان آن را ادامه دهد، و بر آن اصرار ورزد؛ باعث باز شدن درگاه گناهان دیگری برای او میشود و به این طریق به سمت گناهان دیگری کشانده میشود. این نکته که شعیب می گوید، خیلی مهم است که اقتصاد مصرفی و بر هم زدن اندازه ها و میزانها، تمام مشکلات زمان پیامبران گذشته را با خود می آورد. یعنی فساد اقتصادی میتواند جامعه را هم جنسگرا هم بکند. به این طریق فساد اقتصادی و بر هم زدن میزان و اندازه ها، میتواند یک ملت را دچار تمام گناهان گستره تاریخ از جمله قوم نوح، قوم لوط، قوم شعیب، قوم صالح، قوم فرعون و تمام اقوام گذشته کند.

دلیل این خاصیت این است که صفات شرّ و گناهان همگی از یک گناه اصلی ناشی میشوند. کل صفات بد، همه اش یکی هستند و البته ما انسانها جدا می بینیمش؛ زیرا خدای رحمان در زندگی دنیوی، برای ما جداسازی کرده اند تا ما انسانها بهتر

ماهیت این گناهان را درک کنیم. خشم، عصبانیت، کینه همه اش یکی هستند ولی جدا شده اند تا که بتوانیم آن را درک کنیم.

در قسمت درمان بیماری بخشهای شجره ملعونه، ثابت شد که سبوس و سایر مواد مفید را از گندم نباید جدا کرد، که اگر جدا شود، باعث فسادها و مشکلات زنجیره ای متعددی خواهد شد. هر آنچه که نظام رحمانی برای ما باقی میگذارد، آن را دستکاری نکنید و مردم را دچار بیماریهای مختلف نکنید که مردم روز بروز به داروهای شیمیایی وابسته تر میشوند و بعد از مدتی، یک ملت بیمار خواهیم داشت.

پیامی که در آیه بَقِيَّةُ ٱللَّهِ پنهان است، را در قسمتهای مختلف جادوی شیاطین در درمان بیماری و تغذیه و سایر قسمتها مورد بررسی قرار دادیم. همانطور که در قسمت قبلی زلزله بیان کردم، پیامی که در این آیه نهفته شده است، یکبار بوسیله شعیب بیان شده است و حالا وظیفه بیان آن برعهده من است و این حرف از خودم نیست. جهت اطمینان، از نظر ریاضی هم ثابت میشود.

مقدار ابجد بَقِيَّتُ ٱللَّهِ 183 است و مقدار ابجد اسم من (اسعد حسینی) ۲۷۳ است.
این دو عدد را با هم جمع میکنیم.

۲۷۳+ ۱۸۳ = ۴۵۶ = ۱۹* ۲۴

این عبارت ضریب نوزده است و به آن معناست که معنای واقعی عبارت بَقِيَّتُ ٱللَّهِ را من تعیین میکنم. بَقِيَّتُ ٱللَّهِ یک معنویت است و اسم یک فرد نیست. زمانی

شعیب آن را تعیین کرد و حالا من معنای بروز آن را تعیین میکنم. در قسمت ۴۲، روابطی ریاضی در این مورد مطرح شد. در این قسمت ارتباط این روابط با بَقِيَّةُ ٱللَّه مطرح میشود.

اگر مقدار ابجد کل آیه (بَقِيّه ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ) را هم در نظر بگیریم؛ عدد ۳۱۰۹ بدست میاید. که اگر با ابجد اسم من جمع کنیم، باز ضریب نوزده است.

۱۷۸ *۱۹ = ۳۳۸۲ = ۲۷۳+۳۱۰۹

همچنین اگر مقدار ابجد عبارات

(بَقِيَّةُ ٱللَّه (۱۸۳) + الایکه(۶۷) + مدین(۱۰۴) + اسعد حسینی(۲۷۳))

را با هم جمع کنیم، باز عدد حاصل ضریب نوزده است. الایکه و مدین شهرها و یا اقوامی بودند که شعیب این پیام را به آنها داد.

۳۳ * ۱۹ = ۶۲۷ = ۲۷۳ + ۱۰۴ + ۶۷ +۱۸۳

همچنین اگر در این رابطه بجای الایکه، تهران را قرار دهیم؛ مقدار ابجد عبارات (بَقِیَّةُ ٱللَّه (۱۸۳) + تهران(۶۵۶) + مدین(۱۰۴) + اسعد حسینی(۲۷۳)) را با هم جمع کنیم، باز عدد حاصل ضریب نوزده است.

۶۴ * ۱۹ = ۱۲۱۶ = ۲۷۳ + ۱۰۴ + ۶۵۶ + ۱۸۳

در این پیام شهر تهران جای گرفته است، زیرا تهران شامل اقوام مختلفی است که نماینده یک منطقه و یک کشور است و اهمیت خاصی در این روابط دارد. اینها بازی ریاضی نیستند و پیامی واقعی هستند که به اذن خدا از بطن آیات قرآنی بیرون کشیده میشوند. انسانها خودشان برای خودشان خطر و عذاب درست میکنند و این هشدارها به این خاطر است که این رویه خطر آفرین را ترک کنند.